

تحلیل احساس اثرمندی سیاسی معلمان (مورد مطالعه: معلمان شهرستان نیشابور در سال ۱۳۸۷)

علی یوسفی*، محمدرضا سلیمانی☆
(تاریخ دریافت ۸۹/۶/۱، تاریخ پذیرش ۹۱/۴/۳۱)

چکیده: احساس اثرمندی سیاسی دارای دو بعد درونی و بیرونی است. بعد درونی آن دلالت بر توانایی افراد در تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی و بعد بیرونی آن دلالت بر درک پاسخ‌گویی حکومت دارد. از ترکیب این دو بعد، چهار حالت عمده شامل دلگرمی سیاسی، بی‌تفاوتی سیاسی، نومیدی سیاسی و اعتراض سیاسی حاصل می‌شود. تغییر حالات چهارگانه اثرمندی موکول به تغییر سطح اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی، ترجیح ایدئولوژیک و پایگاه اجتماعی اقتصادی است. نتایج تحلیل ثانویه حاضر که از یک نمونه ۲۰۰ نفری از معلمان شهر نیشابور حاصل آمده، نشان می‌دهد اولاً احساس اثرمندی سیاسی معلمان در بعد درونی کمتر از حد متوسط (۴۸/۹) و در بعد بیرونی کمی بیش از حد متوسط (۵۶/۶) است. ثانیاً حالت دلگرمی سیاسی با ۵۲/۸ درصد فراوانی، رایج‌ترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان و پس از آن حالت بی‌تفاوتی سیاسی با فراوانی ۳۹/۲ درصد قرار دارد. ثالثاً از بین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده اثرمندی سیاسی، دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، اثر تعیین‌کننده‌تری بر تغییر حالات اثرمندی سیاسی (از بی‌تفاوتی به دلگرمی سیاسی) دارند. به طوری که ۵۸ تا ۷۸ درصد از تغییر حالات اثرمندی، موکول به تغییر

* دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) yousofi@yahoo.com
☆ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی از دانشگاه فردوسی مشهد m_soleimany_r10@yahoo.com

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰، ص. ۱۱۷-۱۲۲

سطح اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی برآورد گردیده است. رابعاً با آگاهی از قوت و ضعف اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان، در ۹۲/۳ درصد از موارد حالت دلگرمی و در ۸۴/۲ درصد از موارد، حالت بی‌تفاوتی سیاسی آن‌ها را به‌درستی می‌توان پیش‌بینی نمود.

مفاهیم کلیدی: احساس اثرمندی سیاسی درونی، احساس اثرمندی بیرونی، مشارکت انتخاباتی، اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی، ترجیح ایدئولوژیک، پایگاه اجتماعی.

مقدمه

در حالی که مشارکت و دخالت مردم در فرایندهای سیاسی از مهم‌ترین ساز و کارهای برقراری نظام سیاسی مردم‌سالار است اما این امر خود از این احساس مشارکت‌کنندگان تبعیت می‌کند که اولاً آیا شرکت در فرایندهای سیاسی به‌ویژه شرکت در انتخابات، تأثیری در سرنوشت سیاسی آن‌ها دارد یا خیر؟ ثانیاً در صورتی که آن‌ها در این فرایند شرکت نمایند دولت به نتایج حاصل از آن تن خواهد داد یا خیر؟ در ادبیات جامعه‌شناسی سیاسی از این احساس مشارکت‌کننده تحت عنوان «احساس اثرمندی سیاسی»^۱ یاد می‌شود. استفاده از این مفهوم در مطالعه و تحلیل رفتار سیاسی اهمیت زیادی پیدا کرده و از زمان ورود آن به ادبیات سیاسی (لین، ۱۹۵۹)، تاکنون به‌طور مداوم و پیوسته مورد بحث و بررسی قرار گرفته و این باور در بین محققین به وجود آمده که «اثرمندی سیاسی، یک عامل اساسی برای مشارکت و باورهای مرتبط با اعتماد به حکومت و وقایع سیاسی است...» (هاردر^۲، ۲۰۱۰: ۴). اصطلاح احساس اثرمندی سیاسی ابتدا به‌عنوان پیش‌گو یا پیش‌بینی‌کننده رفتار سیاسی به کار می‌رفت، اما در حال حاضر به‌عنوان بارومتر^۳ یا شاخص تغییرات نظام سیاسی به کار می‌رود (سالیوان و ریدل^۴، ۲۰۰۴). نتایج تحقیقات مختلف حاکی از این است که پایین بودن میزان احساس اثرمندی سیاسی منجر به کاهش میزان مشارکت انتخاباتی می‌شود (میشلسون و ملیسا^۵، ۲۰۰۰؛ کارپ و باندوسی، ۲۰۰۶). رأی‌دهندگان زمانی رأی خواهند داد که احساس کنند رأی آن‌ها منشأ تغییر در نظام سیاسی می‌شود. موقعی که اعتماد رأی‌دهنده و گروه‌ها به نظام سیاسی کاهش می‌یابد تعداد کمتری از افراد در فرایندهای سیاسی از جمله انتخابات وارد خواهند شد (یوسفی، ۱۳۸۴؛ سالیوان و ریدل، ۲۰۰۴).

1. Sense of political efficacy

2. Harder

۳. بارومتر (barometer) نام وسیله‌ای در هواشناسی است که فشار هوا را اندازه‌گیری می‌کند. اما اصطلاحاً به هر وسیله‌ای که تغییرات را نشان دهد بارومتر گفته می‌شود.

4. Sullivan & Reidel

5. Michelson & Melisa

احساس اثرمندی پایین در نزد مردم، علاوه بر کاهش مشارکت، پیامدهایی چون افسردگی سیاسی، بی تفاوتی و در موارد حاد آن طغیان و شورش را در پی خواهد داشت (ربیعی، ۱۳۸۰: ۲۱). به علاوه در شرایط ضعف و فقدان اثرمندی سیاسی و انفعال سیاسی ناشی از آن، عرصه عمل‌ورزی سیاسی محدود به نخبگانی می‌شود که بر مبنای اندیشه و علاقه خود به منافع مردم شکل خواهند داد. از این رو تردیدی وجود ندارد که کم و کیف اثرمندی سیاسی در جامعه، بازنمای تغییراتی است که در درون نظام سیاسی رخ داده است و در حالت کاهش اثرمندی، تغییر درونی سیستم در جهت ضعف و زوال آن تفسیر می‌شود.

در تجربه سیاسی سه دهه اخیر ایران، نوسانات مشارکت انتخاباتی را تا حد زیادی می‌توان به نوسانات اثرمندی سیاسی نسبت داد و در شرایطی که بقاء جمهوری اسلامی به مشارکت حداکثری مردم در فرایندهای سیاسی پیوند می‌خورد، آگاهی از اثرمندی سیاسی شهروندان می‌تواند فهم لازم را از ماهیت فعل و انفعالات درون نظام و این‌که تغییرات مذکور در جهت استحکام یا زوال است را فراهم می‌آورد.

مقاله حاضر درصدد است با انجام تحلیل ثانویه^۱ بر روی داده‌های یک مطالعه پیمایشی که در سال ۱۳۸۷ در بین معلمان شهرستان نیشابور به انجام رسیده اولاً تصویر روشنی از وضعیت اثرمندی سیاسی در بین معلمان این شهرستان را ترسیم نماید و ثانیاً با تکیه بر برخی از عوامل مؤثر بر این پدیده، نوسانات اثرمندی سیاسی در بین معلمان را تبیین نماید.^۲

پیشینه اثرمندی سیاسی

از سال ۱۹۵۹ که «لین» در اثر معروف خود به نام *حیات سیاسی* مفهوم اثرمندی سیاسی را مطرح نمود^۳، این مفهوم همواره مورد بحث محققان و صاحب‌نظران بوده و به عنوان یک متغیر کلیدی برای فهم رفتار سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است. احساس اثرمندی سیاسی حاصل ادراک شهروندان از شرایط و ساختار سیاسی جامعه است.

۱. تحلیل ثانویه (Secondary Analysis) به معنای تحلیل دوباره داده‌ها بر اساس مفهوم‌سازی جدید است.

۲. پیمایش مذکور به عنوان فعالیت پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی در دانشگاه فردوسی مشهد، توسط محمدرضا سلیمانی با عنوان «اثر بخشی سیاسی در بین کارمندان آموزش و پرورش شهرستان نیشابور» با راهنمایی علی یوسفی انجام گرفته است.

3. Lane, R. E. (1959), *Political Life*. New York: Free Press.

لین (۱۹۵۹)، اولین بار این ایده را مطرح نمود که اثرمندی سیاسی دارای دو بعد درونی و بیرونی است و بین این دو بعد تفاوت وجود دارد. «اثرمندی درونی^۱، احساس این واقعیت است که فرد از مهارت‌ها و فهم ضروری برای تأثیرگذاری بر نظام سیاسی برخوردار است. اثرمندی بیرونی^۲، احساس این واقعیت است که نهادها و صاحب‌منصبان حکومتی، نسبت به تلاش فرد، پاسخگو هستند» (نقل از: هاردر، ۲۰۱۰: ۴). بسیاری از صاحب‌نظران دیگر نیز به پیروی از لین، برای اثرمندی سیاسی معنای مشابهی در ابعاد درونی و بیرونی قائل هستند (آبراهامسن^۳ و همکاران، ۱۹۸۲؛ فینکل، ۱۹۸۵؛ نیمی و همکاران، ۱۹۹۱).

تفاوت بین اثرمندی درونی و بیرونی نیز دارای اهمیت است بدین جهت که اثرمندی درونی، به هویت شخصی فرد وابسته است و بعید است که به‌سادگی تغییر کند. اثرمندی درونی به صفات پایدار شخصیتی مثل عزت‌نفس متکی است و قاعدتاً نمی‌بایست نوسان زیادی بعد از انتخابات داشته باشد. اما اثرمندی بیرونی، ادراکی از نهادهای بیرونی است و از این جهت ممکن است به موازات این‌که افراد اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند یا سیاست‌مداران متفاوتی ممکن است انتخاب شوند که نسبت به مسائل آن‌ها، پاسخگو تر باشند، این احساس تغییر پیدا می‌کند (هاردر، ۲۰۱۰: ۴). البته برخی از صاحب‌نظران، بعد سومی را با عنوان «اثرمندی جمعی^۴ برای اثرمندی سیاسی مطرح نموده‌اند که تاکنون مورد توجه چندانی قرار نگرفته است (نقل از: هاردر، ۲۰۱۰: ۴).

در بین تعاریف و دسته‌بندی‌های مفهومی انجام شده از مفهوم اثرمندی سیاسی شاید بیش از همه تعریف البرت باندورا (۱۹۷۷)، جلب توجه کرده باشد. وی نیز معتقد است اثرمندی سیاسی شامل دو بعد درونی و بیرونی است. اثرمندی درونی بر روی قابلیت‌های شخصی تأکید می‌کند و اثرمندی بیرونی متوجه میزان پاسخ‌گویی دولت و به‌طور کلی محیط سیاسی است. او بر این باور است که از ترکیب دو نوع اثرمندی درونی و اثرمندی بیرونی، چهار نوع احساس عمده سیاسی حاصل می‌شود. در صورتی که اثرمندی درونی و بیرونی هر دو بالا باشند مشارکت افراد با دلگرمی^۵ انجام خواهد گرفت و در مقابل اگر اثرمندی سیاسی در هر دو بعد پایین باشد به بی‌تفاوتی^۶ سیاسی منجر می‌شود. پایین بودن اثرمندی درونی و بالا بودن اثرمندی بیرونی و یا بالعکس، به ترتیب به اعتراض^۷ و نومیدی^۸ سیاسی منجر می‌گردد (نقل از کارپ و

1. Internal efficacy
3. Abrahamson
5. Assured action
7. Protest

2. External efficacy
4. Collective efficacy
6. Apathy

باندوسی^۹، ۲۰۰۶). باندورا در نظریه خود اثرمندی^{۱۰} به این نکته تأکید دارد که وقتی افراد قادر به تأثیرگذاری بر وقایع و شرایط اجتماعی مهم در زندگی خود نباشند احساس بیهودگی^{۱۱}، نومیدی و نگرانی پیدامی‌کنند. (باندورا، ۱۹۸۲: ۱۴۰). به نظر باندورا بین احساس خود بی‌اثری^{۱۲}، بیهودگی و نومیدی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

او در نظریه خود اثرمندی، بین دو منبع قضاوتی احساس بیهودگی تمایز ایجاد می‌کند افراد ممکن است از تلاش خود دست بکشند به این دلیل که فکر می‌کنند نمی‌توانند به نتایج مورد انتظار خود برسند. یاممکن است به توانایی‌های خود مطمئن باشند اما با این وجود از تلاش دست بردارند بدین جهت که فکر می‌کنند تلاش آن‌ها به دلیل محدودیت‌ها و بازدارندگی‌های محیطی نمی‌تواند به نتیجه مورد انتظار برسد. این دو منبع احساس بیهودگی، علت‌ها و روش‌های مداخله کاملاً متفاوتی دارند. در حالی که تغییر احساس بیهودگی مبتنی بر اثرمندی مستلزم تقویت قابلیت‌های سازنده و درک قوی از خود اثرمندی است؛ برعکس تغییر بیهودگی ناشی از عملکرد^{۱۳} مستلزم تغییر در محیط اجتماعی است، از آن جهت که افراد می‌توانند مزایای قابلیت‌های داشته خود را به دست آورند. در هر حال، بهترین پیش‌بینی‌کننده رفتار، منظور کردن همزمان عقیده به خود اثرمندی و عقیده به عملکرد یا نتیجه است. از ترکیب این دو، احساسات روان‌شناختی مختلفی حاصل می‌شود (باندورا، ۱۹۸۲: ۱۴۰).

تحقیقات تجربی متعددی بر روی اثرمندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن انجام گرفته است. در برخی از مطالعات انجام شده بر تأثیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی بر احساس اثرمندی سیاسی تأکید کرده‌اند (کنسکی و استرود^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ وو^{۱۵}، ۲۰۰۶؛ مک کلو سکی و همکاران، ۲۰۰۴). برخی دیگر اثر متغیرهای فرهنگی و نژادی را بر روی احساس اثرمندی سیاسی مورد مطالعه قرار داده‌اند (میشلسون و ملیسا، ۲۰۰۰؛ وو). برخی از تحقیقات اثر آموزش‌های سیاسی و آموزش مبارزات تبلیغاتی بر اثرمندی سیاسی را نشان داده‌اند (کلینکنر و ماریانی^{۱۶}، ۲۰۰۶؛ فینکل، ۱۹۸۵). برخی از مطالعات، اثر گرایش‌های سیاسی از قبیل علاقه سیاسی و هویت حزبی را بر احساس اثرمندی سیاسی مورد سنجش قرار داده‌اند (کنسکی و استرود، ۲۰۰۶؛ استون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰). مطالعات دیگر تأثیر پایگاه اجتماعی اقتصادی را بر اثرمندی سیاسی

8. Despondency

10. Self-Efficacy theory

12. Self-Inefficacy

14. Kenski & Stroud

16. Klinkner & Mariani

9. Karp & Banducci

11. Futility

13. Outcome

15. Wu

بررسی کرده‌اند (آلموند و وربا^۱ ۱۹۶۳، ۱۹۸۹)؛ میلیراث و گوئل، ۱۹۷۷؛ وو، ۲۰۰۳؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶). مطالعاتی هم رابطه اثرمندی سیاسی و اعتماد سیاسی را بررسی کرده‌اند (اندرسون و گیلوری^۲، ۱۹۹۷؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶) بر اساس تحقیقات انجام شده، پیش‌نیازهای لازم برای شکل‌گیری احساس اثرمندی سیاسی را می‌توان در ذیل چهار عنوان کلی بازشناسی نمود:

۱. زمینه سیاسی

متن یا زمینه سیاسی به کمک دو شاخص شفافیت پاسخ‌دهی (مسئولیت) و شفافیت گزینه‌ها یا کاندیداهای در دسترس، موجب درک رأی‌دهندگان از پاسخ‌دهی مقامات دولتی می‌شود. شفافیت یا وضوح مسئولیت، اهمیت توزیع مسئولیت را آشکار می‌سازد (پاول و ویتن^۳، ۱۹۹۳). مفهوم اصلی آن شامل قدرت حزبی، دوجلسی بودن یا اپوزیسیون، سطوح نمایندگی (مستقیم بودن یا چنددرجه‌ای بودن) و حمایت پارلمان می‌شود. اما بعداً این مفهوم تغییر شکل داده و تنها شامل سه معنی متفاوت و اما قابل درک‌تر شد که عبارتند از نیرو یا قدرت، قدرت شریک کردن و پایداری. به‌طور ویژه این مفاهیم این‌گونه در نظر گرفته می‌شوند: حمایت پارلمان از دولت، آیا قدرت بین چند بازیگر تقسیم می‌شود (شریک کردن در قدرت) به عبارتی دولت یا مجلس تک‌حزبی یا چندحزبی است و مدت زمانی که دولت در قدرت مانده است.

دومین جنبه از متن یا زمینه سیاسی مربوط به گزینه‌ها (نامزدهای انتخاباتی) است. پاول (۲۰۰۰) قابلیت شناسایی دولت‌های آینده را مطلب عمده و مهمی برای تعهد رأی دادن می‌داند. زیرا اساس رأی، رأی‌دهندگان وعده‌ها و قول‌های احزاب است. قابلیت شناسایی کاندیدها برای رأی‌دهنده‌ها نسبت به استراتژی‌های دیگر از اهمیت بیشتری برخوردار است. اندرسون (۲۰۰۰) که ترجیح می‌دهد درباره روشنی و وضوح کاندیداهای در دسترس صحبت کند، نشان می‌دهد که اگر کاندیداهای خوبی برای پاداش دادن به رأی‌دهندگان وجود نداشته باشد، احتمال کمتری برای شرکت در انتخابات برای رأی‌دهنده‌ها وجود دارد و دور از انتظار نیست در محیطی که گزینه‌های روشن و خوب در دسترس نباشد، شهروندان، سیستم سیاسی را کمتر پاسخگو بدانند. لازمه دسترسی به کاندیداهای خوب، فضای آزاد انتخابات می‌باشد همان‌طور که «بی‌تام» گوید: انتخابات آزاد و عادلانه یکی از عناصر اصلی

1. Almond & Verbal
3. Powell & Witten

2. Anderson & Guillory

تشکیل دهنده نظام‌های مردم‌سالار و بخش جدایی‌ناپذیر از دموکراسی است. رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخ‌گویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آن‌ها می‌کند. خاصیت مهم دیگر انتخابات آزاد، تضمین برابری سیاسی بین شهروندان، هم در زمینه دستیابی به سمت‌های دولتی و هم در مورد ارزش رأی آن‌هاست (مقصودی، ۱۳۸۵).

۲. ویژگی‌های شخصی

سه دسته ویژگی شخصی را برای فهم اثرمندی سیاسی می‌توان از هم تفکیک نمود: اولین گروه شامل ویژگی‌های جمعیتی اقتصادی و اجتماعی است که متغیرهایی از قبیل سن، جنس، و آموزش و داشتن یا نداشتن شغل است. دومین دسته، پایگاه اجتماعی اقتصادی و دانش سیاسی افراد است و سومین دسته شامل فعالیت‌های سیاسی است. صاحب‌نظرانی همچون پاتمن (۱۹۷۰) و باربر (۱۹۸۴) بیان می‌کنند که مشارکت دموکراتیک باعث تشویق شهروندان و در نهایت باعث می‌شود شهروندان به فرایندهای سیاسی و اعمال دموکراتیک توجه بیشتری داشته باشند. آلموند و وربا (۱۹۶۳، ۱۹۸۹) نشان دادند که تمرین و تجربه تصمیم‌گیری در نواحی و مناطق مختلف هم با مشارکت انتخاباتی مرتبط است و هم با عقیده و باور به این‌که می‌توانند در دولت تأثیر بگذارند. فعالیت سیاسی دو نوع اندازه‌گیری را شامل می‌شود: ۱. فعالیت سیاسی در بین انتخابات ۲. رأی دادن در انتخابات جاری.

۳. گرایش‌های فردی

گرایش‌های فردی، از دیگر پیش‌نیازهای اثرمندی سیاسی هستند که برای آن چهار بعد متفاوت در نظر گرفته می‌شود:

الف. حمایت سیاسی: ایستون (۱۹۷۵) و اینگار (۱۹۸۰) اهمیت زیادی برای ارزیابی از نحوه پاسخ‌گویی دولت بیان کرده‌اند. فرد در صورتی از نظام حمایت خواهد کرد که اولاً نظام سیاسی را مشروع قلمداد کند و ثانیاً ارزیابی مثبتی از نحوه عملکرد نظام سیاسی داشته باشد. رفیع‌پور در کتاب توسعه و تضاد هسته اصلی تعیین‌کننده مشروعیت نظام حاکم از سوی مردم را چنین بیان می‌کند.

— پذیرش آن نظام از سوی مردم

— مثبت ارزیابی کردن نظام از سوی مردم

— موجه و قانونی تلقی کردن نظام از سوی مردم (رفیع‌پور، ۱۳۸۰).

آنتونی گیدنز تعریف زیر را برای مشروعیت ارائه داده است: «مشروعیت یعنی کسانی که تابع اقتدار یک حکومت‌اند، با آن موافق باشند. اقتدار به معنای کاربرد مشروع قدرت از سوی حکومت است (گیدنز، ۱۳۸۶). و نیز قوام در کتاب *چالش‌های توسعه سیاسی*، مشروعیت را این‌گونه تعریف کرده است: «مشروعیت به معنای ظرفیت نظام‌های سیاسی برای ایجاد و حفظ اعتقاد به این اصل است که نهادهای سیاسی موجود در جامعه از صحت عمل برخوردار هستند و تأسیس نهادهای مزبور به منظور رفع نیازهای جامعه می‌باشد. مشروعیت نظام‌های سیاسی بیشتر معلول موفقیت آن‌ها در حل و فصل اختلافات درونی نظام‌ها و از میان بردن تفرقه در جامعه است (قوام، ۱۳۷۹).

ب. ترجیح حزبی: رأی‌دهندگان که ترجیح حزبی روشنی دارند و اعلام می‌کنند که یکی از احزاب رقابت‌کننده، دیدگاهشان را به‌طور منطقی تری بیان می‌کند، دید مثبت تری نسبت به پاسخ‌گویی دولت دارند تا نسبت به کسانی که فاقد این ترجیح هستند.

پ. موقعیت رأی‌دهندگان به عنوان برندگان یا بازندگان: افرادی که به یک «حزب دولت» رأی داده‌اند (حزبی که حکومت می‌کند و یا یکی از احزاب ائتلافی حکومت است) به احتمال بیشتر به این‌که دولت پاسخ‌گویی نیازهای آن‌هاست، باور دارند (اندرسون و گیلوری، ۱۹۹۷). شهروندانی که اعلام کنند به یکی از احزاب تشکیل‌دهنده دولت بعد از انتخابات، رأی داده‌اند، به‌عنوان برندگان به‌شمار می‌آیند.

ث. ترجیح سیاسی ایدئولوژیک: رأی‌دهندگان با ترجیحات ایدئولوژیک روشن احتمالاً بیشتر مراقب‌اند، چه کسی به قدرت می‌رسد، یا به رأی دادن اهمیت بیشتری می‌دهند و خود را بیشتر در وسط میدان و معرکه قرار می‌دهند (بنگستون^۱، ۲۰۰۵). ترجیح سیاسی ایدئولوژیک می‌تواند ناظر به حفظ، اصلاح یا تغییر ساختار سیاسی موجود، معطوف باشد که در این صورت به ترتیب می‌توان به عنوان ایدئولوژی محافظه‌کار، اصلاح‌طلب و رادیکال از آن یاد کرد.

تعریف اثرمندی سیاسی

با الهام از تعاریف موجود به‌ویژه میلبراث و گوئل (۱۹۷۷)، اثرمندی سیاسی را به‌طور کلی می‌توان احساس تأثیرگذاری فرد بر سیاست تلقی نمود و بر مبنای تأکید مورد توافق صاحب‌نظرانی همچون لین (۱۹۵۹ به نقل از هاردن، ۲۰۱۰)، باندورا (۱۹۸۲، ۱۹۷۷)، آلموند و

1. Bengtsson

وربا (۱۹۶۳، ۱۹۸۹) و نیمی و همکاران (۱۹۹۱) برای احساس اثرمندی سیاسی می‌توان دو بعد اساسی قائل شد.

۱. احساس اثرمندی سیاسی درونی: درک از فرایندهای سیاسی و توانایی تأثیرگذاری بر آنها.

۲. احساس اثرمندی سیاسی بیرونی: درک از پاسخ‌گویی حکومت در قبال تقاضاهای مردم با الهام از نظریه خوداثرمندی باندورا (۱۹۸۲، ۱۹۷۷) از ترکیب ابعاد درونی و بیرونی اثرمندی، چهار حالت عمده اثرمندی سیاسی را مطابق با شرح ذیل می‌توان از هم تفکیک نمود^۱.

الف. دلگرمی سیاسی: ناظر به حالتی است که احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی فرد مثبت باشد یعنی فرد هم نسبت به تأثیرگذاری عمل سیاسی یا انتخاباتی خود بر نظام تصمیم‌گیری و هم نسبت به پاسخ‌گویی دولت، قضاوت مثبت داشته باشد.

ب. نومییدی سیاسی: بیانگر حالتی است که احساس اثرمندی سیاسی درونی فرد منفی اما احساس اثرمندی سیاسی بیرونی وی، مثبت باشد. بدین معنا که فرد در مورد پاسخ‌گویی دولت، قضاوت مثبت اما نسبت به تأثیر عمل سیاسی و انتخاباتی خود نامطمئن باشد.

ج. اعتراض سیاسی: حاکی از حالتی است که احساس اثرمندی سیاسی درونی فرد مثبت اما اثرمندی بیرونی او، منفی است. در چنین وضعیتی، فرد نسبت به پاسخ‌گویی دولت، مطمئن اما نسبت به تأثیر عمل سیاسی و انتخاباتی خود نامطمئن است.

چ. بی‌تفاوتی سیاسی: حالتی را بیان می‌کند که احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی فرد، منفی باشد. در این حالت فرد نسبت به تأثیرگذاری عمل سیاسی یا انتخاباتی خود و همچنین پاسخ‌گویی دولت، قضاوت منفی دارد.

چهار نوع حالت اثرمندی مذکور به نتایج متفاوتی از حیث عمل سیاسی منجر گردد. چنان‌که دلگرمی سیاسی، شوق مشارکت را بالا و بالعکس روحیه اعتراضی، مشوق ترک فعالانه سیاست یا بایکوت سیاسی می‌گردد. نومییدی سیاسی به ترک انفعالی یا کناره‌گیری از سیاست و بی‌تفاوتی سیاسی به دلزدگی از سیاست منجر می‌گردد. چهار نوع عمده اثرمندی سیاسی را مطابق شکل ۱ می‌توان نمایش داد.

۱. باندورا (۱۹۸۲)، چهار نوع احساس اثرمندی را از ترکیب قضاوت خوداثرمندی (self-efficacy judgment) و قضاوت عملکردی (outcomes judgment) نتیجه می‌گیرد (باندورا، ۱۹۸۲: ۱۴۰-۱۴۱).

شکل ۱. حالات اثرمندی سیاسی

عوامل مؤثر بر اثرمندی سیاسی

بر اساس آنچه نظریه‌پردازانی مانند آلموند و وربا (۱۹۶۳، ۱۹۸۹)، میلبراث و گوئل (۱۹۷۷)، کنسکی و استرود (۲۰۰۶) و «وو» (۲۰۰۳) در خصوص پایگاه اجتماعی اقتصادی بیان کرده‌اند انتظار می‌رود افرادی که از سطح تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی بالاتری برخوردارند، احساس تأثیرگذاری بیشتری بر حکومت و تصمیمات آن داشته باشند. بالا بودن شاخص‌های پایگاه اجتماعی اقتصادی در فرد بر اساس آنچه آلموند و وربا (۱۹۶۳) گفته‌اند باعث می‌شود فرد با اعتماد به نفس بیشتری در بحث‌های سیاسی وارد شده و مباحث سیاسی را پیگیری کند و در نتیجه علاقه سیاسی خود را افزایش دهد که این از یک طرف طبق تحقیقات انجام شده (کنسکی و استرود، ۲۰۰۶؛ پارکر، ۲۰۰۹) باعث افزایش حس اثرمندی سیاسی فرد شده و از طرفی باعث می‌شود فرد عضو انجمن‌ها و احزاب سیاسی شده و از طریق رسانه‌ها و جلسات سخنرانی و همایش‌ها و تعاملات با افراد دیگر حزب، مباحث سیاسی را پیگیری کند. نتایج تحقیقات کنسکی و کات (۲۰۰۶) نشان می‌دهد تلاش فرد برای پیروزی و هواداری از حزب مورد نظرش، احساس اثرمندی سیاسی او را بالا می‌برد. از طرفی، طبق آنچه استون (۱۹۷۵) و اینگار (۱۹۸۰) بیان کردند، هویت حزبی فرد باعث حمایت و ارزیابی مثبت از عملکرد حزب دلخواه خود در صورت پیروزی در انتخابات و به دست گرفتن امور کشور می‌شود.

بر طبق نظریه مبادله هومنز و آنچه رنسون (۱۹۷۴) بیان کرده‌اند، وقتی سیستم سیاسی به درخواست‌های شهروندان جواب مثبت می‌دهد، شهروندان احساس می‌کنند سطح بالایی از اثرمندی سیاسی بیرونی وجود دارد. به علاوه اگر انتظار افراد از دولت برآورده شود یا به عبارتی پاداش مناسب دریافت کرده باشند، ارزیابی مثبتی از عملکرد دولت خواهند داشت و احتمالاً بیشتر در انتخابات شرکت خواهند کرد و طبق آنچه فینکل (۱۹۸۵) بیان کرده، کسی که در انتخابات شرکت کرده، فضا و محیط انتخاباتی

را مثبت و اثربخش برای رفع نیازها و رسیدن به مطالبات ارزیابی می‌کند. از سوی دیگر شرکت یا عدم شرکت در انتخابات مستلزم نوعی باور یا ایدئولوژی سیاسی است (بنگسون، ۲۰۰۵؛ کنسکی و استرود، ۲۰۰۶). یا متکی به این باور است که وضع موجود سیاسی مناسب است و با رأی خود درصدد تداوم آن برمی‌آید. یا وضع موجود را نیازمند تغییر و اصلاح می‌داند و در رأی خود آن را جست و جو می‌کند و حالت سوم این است که چارچوب موجود سیاسی را اساساً قابل قبول نمی‌داند و احتمالاً از ورود به انتخابات اجتناب می‌ورزد. معمولاً این سه نوع باور ایدئولوژیک، مبنای فعالیت و هویت حزبی نیز قرار می‌گیرد یعنی احزاب سیاسی نیز غالباً به دنبال همین باورها وارد عرصه سیاسی می‌شوند. از این رو، ترجیحات سیاسی ایدئولوژیک (محافظه کار، اصلاح طلب و رادیکال) هویت حزبی را نیز پوشش می‌دهد و آگاهی از ترجیح ایدئولوژیک، تا حد زیادی به منزله آگاهی از ترجیح حزبی نیز محسوب می‌شود^۱.

بدین ترتیب با الهام از سوابق نظری و تجربی، اثرمندی سیاسی در اشکال چهارگانه (دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، اعتراض سیاسی و افسردگی سیاسی) را به طور عمده توان متأثر از پنج عامل اساسی به شرح ذیل دانست:

۱. پایگاه اجتماعی-اقتصادی (میلبراث و گوئل (۱۹۷۷)؛ آلموند و وربا، ۱۹۶۳، ۱۹۸۹؛ کنسکی و کات، ۲۰۰۰؛ وو، ۲۰۰۳؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶).
۲. علاقه سیاسی (استون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰؛ پارکر، ۲۰۰۹؛ کنسکی و کات، ۲۰۰۰؛ کنسکی و استرود، ۲۰۰۶).
۳. اعتماد سیاسی (ایستون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰؛ اندرسون و گیلوری، ۱۹۹۷؛ کوهن و وستیمر، ۲۰۰۶).
۴. مشارکت انتخاباتی (آلموند و وربا، ۱۹۶۳، ۱۹۸۹؛ پاتمن، ۱۹۷۰؛ باربر، ۱۹۸۴؛ فینکل، ۱۹۸۵).
۵. ترجیح حزبی و ترجیح ایدئولوژیک (استون، ۱۹۷۵؛ اینگار، ۱۹۸۰؛ کنسکی و کات، ۲۰۰۰؛ بنگسون، ۲۰۰۵).

۱. البته لازمه این امر، مرزبندی شفاف در بین ایدئولوژی‌های سیاسی و به تبع آن در بین احزاب سیاسی است. در غیر این صورت، ممکن است جابه‌جایی و تداخل عقیده سیاسی در بین هویت‌های حزبی به وجود آید مثلاً ممکن است بعضاً احزاب اصلاح طلب ایدئولوژی محافظه کارانه و یا احزاب محافظه کار، ایدئولوژی اصلاح طلبانه داشته باشند.

فرضیات اساسی

۱. اثرمندی سیاسی با حالات چهارگانه دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، اعتراض سیاسی و افسردگی سیاسی، تحت تأثیر همزمان «علاقه سیاسی»، «اعتماد سیاسی»، «مشارکت انتخاباتی»، «ترجیح ایدئولوژیک» و «پایگاه اجتماعی» است.
 ۲. اثر انفرادی و تعاملی «علاقه سیاسی» «اعتماد سیاسی» و «مشارکت انتخاباتی» بر دلگرمی سیاسی مثبت و بر سایر حالات اثرمندی سیاسی، منفی است.
 ۳. تغییر حالات اثرمندی سیاسی، از یک سو تحت تأثیر «تعامل ترجیح ایدئولوژیک با پایگاه اجتماعی» و از سوی دیگر تحت تأثیر تعامل هر یک از این دو مفهوم با «علاقه سیاسی» «اعتماد سیاسی» و «مشارکت انتخاباتی» است.
- مطابق با صورت‌بندی فرضیات مذکور و روابط مفروض در بین مفاهیم نظری مورد بحث نمودار مدل تحلیل نظری اثرمندی سیاسی را می‌توان مطابق شکل ۲ ترسیم نمود^۱.

شکل ۲. نمودار مدل تحلیل نظری اثرمندی سیاسی

۱. برای جلوگیری از پیچیدگی نمودار، بخشی از روابط منظور در فرضیه سوم تحقیق (تعامل هر یک از دو مفهوم ترجیح ایدئولوژیک و پایگاه اجتماعی با سه مفهوم «علاقه سیاسی»، «مشارکت انتخاباتی») در نمودار حاضر ترسیم نگردیده است.

روش تحقیق

داده‌های مورد تحلیل مقاله حاضر برگرفته از یک مطالعه پیمایشی است که در سال ۱۳۸۷ در شهر نیشابور به انجام رسیده است. روش نمونه‌گیری پیمایش مذکور، «نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب» بوده است به این ترتیب که متناسب با جمعیت معلمان نیشابور در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی برگزیده شده و با آن‌ها مصاحبه حضوری به عمل آمده است. تعریف عملیاتی متغیرهای مورد بررسی مطابق شرح ذیل و با طرح سؤال و تنظیم پرسش‌نامه سنجیده شده است:

– اثرمندی سیاسی: احساس تأثیرگذاری نظر و رأی فرد بر تصمیمات دولت (احساس اثرمندی سیاسی درونی) و اهمیت دادن دولت به رأی و نظر مردم (احساس اثرمندی سیاسی بیرونی).

– علاقه سیاسی: علاقه به بحث و گفت‌وگوی سیاسی و پیگیری اخبار و اطلاعات سیاسی کشور

– مشارکت انتخاباتی: تعداد شرکت در انتخابات ۵ سال اخیر^۱

– اعتماد سیاسی: ارزیابی موفقیت دولت در تأمین رفاه و آسایش، نظم و امنیت، آزادی عقیده و بیان و ایجاد زمینه مشارکت و دخالت در تصمیم‌گیری.

– ترجیح ایدئولوژیک: نظر موافق با یکی از سه حالت حفظ قانون اساسی به شکل فعلی (ایدئولوژی محافظه‌کار)، اصلاح موادی از قانون اساسی که حق انتخاب مردم را محدود کند (ایدئولوژی اصلاح‌طلب) و تغییر بنیادی و نوشتن قانون اساسی جدید (ایدئولوژی رادیکال).

– پایگاه اجتماعی اقتصادی: شاخص پایگاه اجتماعی اقتصادی حاصل ترکیب وزنی سه متغیر تحصیلات، رتبه یا پرستیژ شغل (مقطع تدریس) و حقوق ماهیانه است.

لازم به توضیح است که در پرسش‌نامه مربوط، متغیر اثرمندی سیاسی در بعد درونی و بیرونی برحسب مقیاس ترتیبی ۵ قسمتی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) توسط دو سؤال سنجیده شده است. در مرحله تحلیل داده‌ها، ابتدا با ادغام گزینه‌های «زیاد و خیلی زیاد» به عنوان اثرمندی بالا و گزینه‌های «خیلی کم و کم» به عنوان «اثرمندی پایین» منظور شده و سپس

۱. این انتخابات شامل ریاست جمهوری دوره هشتم و نهم، انتخابات مجلس شورای اسلامی دوره هفتم و هشتم، انتخابات خیرگان و شوراهای اسلامی شهر و روستا در سال ۱۳۸۵ می‌شود.

با حذف گزینه‌های «بینابین» از شمول تحلیل، راه برای تلافی دادن دو نوع اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی مطابق شرح شکل ۱ فراهم آمده است. حاصل این تلافی، ایجاد متغیر جدید اثرمندی سیاسی با چهار مقوله دلگرمی سیاسی، نومیدی سیاسی، اعتراض سیاسی و بی‌تفاوتی سیاسی بوده است. در این معنا، اثرمندی سیاسی به عنوان متغیر وابسته در سطح مقیاس اسمی، متغیرهای اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی و پایگاه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل در سطح مقیاس فاصله‌ای و دیگر متغیر مستقل، یعنی ترجیح ایدئولوژیک با سه مقوله محافظه‌کار، اصلاح‌طلب و رادیکال با مقیاس اسمی منظور شده است.

ملاک تشخیص اعتبار^۱ مقیاس‌های اصلی (اثرمندی سیاسی، اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی، مشارکت انتخاباتی، پایگاه اجتماعی اقتصادی و ترجیح ایدئولوژیک)، قاعده تواتر یا اعتبار صوری مقیاس‌هاست. بر این مبنا از مقیاس‌هایی استفاده شده که در پیمایش‌های عدیده ملی در داخل (از جمله پیمایش هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در بین اقوام ایرانی^۲، ۱۳۷۸؛ پیمایش ارزش‌های ایرانیان^۳، ۱۳۸۱؛ پیمایش انسجام اجتماعی در ایران^۴، ۱۳۸۴) و خارجی (از معروف‌ترین آن‌ها مطالعات انتخابات ملی امریکا^۵ (۱۹۸۴)، ۱۹۹۶ به نقل از هاردر، ۲۰۱۰) مورد استناد قرار گرفته‌اند. با توجه به سطح سنجش متغیرها و روابط منظور شده میان آن‌ها^۶، برای واری مدل نظری اثرمندی سیاسی (شکل ۲) از تکنیک

1. Validity

۲. رجوع شود به: چلبی مسعود و همکاران (۱۳۷۸). گزارش پیمایش هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی در ایران (پیوست)، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها.
۳. رجوع شود به: دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۱). پرسش‌نامه پیمایش ملی ارزش‌های ایرانیان. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. رجوع شود به: یوسفی علی، مؤگان عظیمی هاشمی (۱۳۸۴). گزارش پیمایش ملی انسجام اجتماعی در ایران (بخش اول، فصل ۳)، وزارت کشور، معاونت امور اجتماعی و شوراها.
۵. پرسش‌نامه مطالعات انتخابات ملی امریکا (ANES)، از پرستنادترین منابع برای سنجش اثرمندی سیاسی و مفاهیم سیاسی مرتبط است. رجوع شود به:

Harder J. K. (2010), *Why do people vote? The case for Political Efficacy*
<http://www.thepresidency.org/storage/documents/Fellow2008/Harder.pdf>.

۶. اسمی بودن متغیر وابسته، وجود متغیرهای اسمی (مصنعی) و فاصله‌ای در فهرست متغیرهای مستقل و تعامل میان آن‌ها استفاده از تکنیک رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد (نک، ۱۹۹۷).

تحلیل «رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای^۱» (MLR)، بهره‌گیری شده است. در تکنیک مذکور، متغیرهای اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی و پایگاه اجتماعی به عنوان متغیر مستقل کواریته و متغیر ترجیح ایدئولوژیک به عنوان متغیر مستقل^۲ عامل به کار رفته است. در مدل منتخب تحلیل لجستیک اثرمندی، انواع تعامل میان کواریته‌ها و عامل‌ها، منظور شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های زمینه‌ای معلمان

از مجموع ۲۰۰ نمونه معلم مورد مطالعه در آموزش و پرورش شهرستان نیشابور، ۵۳/۵ درصد زن و ۴۶/۵ مرد هستند. میانگین سنی آن‌ها ۳۹/۶ سال و میانگین سابقه اداری آن‌ها ۱۹ سال است. ۹۶/۵ درصد آن‌ها در سمت‌های آموزشی و ۳/۵ درصد دارای سمت اداری هستند. ۳۶/۵ درصد از آن‌ها در مقطع ابتدایی، ۳۰ درصد در مقطع راهنمایی و ۳۳/۵ درصد در مقطع متوسطه، مشغول فعالیت هستند. از لحاظ مدرک تحصیلی، ۱۰٪ آن‌ها دیپلم، ۲۱/۵٪، فوق‌دیپلم، ۶۰/۵٪ مدرک تحصیلی لیسانس و ۸٪ نیز دارای مدرک تحصیلی فوق‌لیسانس هستند.

شدت اثرمندی سیاسی معلمان

برحسب آماره‌های مندرج در جدول ۱، شدت اثرمندی سیاسی معلمان نیشابور را به شرح چندگزاره ذیل می‌توان توصیف نمود:

– شدت احساس اثرمندی سیاسی معلمان نیشابور در هر دو بعد درونی و بیرونی از حد خیلی کم تا حد خیلی زیاد، در نوسان بوده و این نوسان در هر دو بعد، کم و بیش یکسان است.
– احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی مکمل یکدیگرند و به لحاظ آماری همبستگی بین دو احساس، نسبتاً بالاست (۷۶۴ - r).

– اگرچه شدت احساس اثرمندی سیاسی معلمان در هر دو بعد درونی و بیرونی به‌طور عمده در اطراف میانگین در نوسان است لکن شدت این احساس در بعد درونی (۴۸/۹) کمتر از بعد بیرونی (۵۶/۶) است.

1. Multinomial Logistic Regression

2. Factor

جدول ۱. آماره‌های شدت اثرمندی سیاسی در بین معلمان (تعداد پاسخ معتبر = ۱۹۹)

حالات چهارگانه اثرمندی سیاسی معلمان

از تلاقی دو نوع اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی معلمان، چهار حالت عمده اثرمندی سیاسی مطابق شرح جدول ۲ حاصل آمده که ذیلاً به نکات عمده آن اشاره می‌گردد.^۳

حالت دلگرمی سیاسی که بر مثبت بودن احساس اثرمندی درونی و بیرونی معلمان دلالت دارد با ۵۲/۸ درصد فراوانی، رایج‌ترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان را تشکیل می‌دهد و پس از آن حالت بی تفاوتی سیاسی قرار می‌گیرد که ۳۹/۲ درصد از معلمان را در بر می‌گیرد. بی تفاوتی سیاسی برخلاف دلگرمی سیاسی، دلالت بر منفی بودن هر دو نوع احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی معلمان دارد.

اعتراض سیاسی که دلالت بر مثبت بودن احساس اثرمندی درونی و منفی بودن اثرمندی بیرونی دارد، ۸/۰ درصد از معلمان نیشابور را در بر می‌گیرد اما حالت نومیدی سیاسی که معکوس اعتراض سیاسی است، در نمونه مورد بررسی فاقد فراوانی (۰٪) بوده است.

۱. سؤال مربوط: فکر می‌کنید رأی و نظر شما، به سهم خود تا چه اندازه می‌تواند بر تصمیمات دولت مؤثر باشد؟

۲. سؤال مربوط: فکر می‌کنید دولت تا چه اندازه به رأی و نظر شما (رأی‌دهندگان) اهمیت می‌دهد؟

۳. مطابق تعریف مفهومی، چهار سنخ اثرمندی سیاسی، منحصر به احساسات شفاف (بالا یا پایین) است و احساسات بینابینی را شامل نمی‌شود. از این رو در جدول مذکور، پاسخ‌های بینابینی به هر دو سؤال مربوط به اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی از محاسبه حذف شده‌اند.

جدول ۲. فراوانی حالات اثرمندی سیاسی در بین معلمان

توصیف عوامل مؤثر بر اثرمندی سیاسی معلمان

وضعیت پاسخگویان از لحاظ خصوصیات مؤثر بر احساس اثرمندی سیاسی که در مدل نظری تحلیل وارد گردیده‌اند (شکل ۲)، به شرح ذیل است:

– ترجیح سیاسی ایدئولوژیک: از لحاظ ترجیح سیاسی ۲۲/۷ درصد پاسخگویان قائل به حفظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همین صورت کنونی هستند. ۵۸/۵ درصد قائل به اصلاح برخی از اصول قانون اساسی (اصولی که با حق انتخاب مردم مربوط می‌شود) و ۱۸/۸ درصد نیز به تغییر بنیادی و جایگزینی قانون اساسی معتقد هستند.

– مشارکت انتخاباتی: از مجموع ۶ انتخابات برگزار شده در ۵ سال منتهی به زمان تحقیق در یک، دو، سه، چهار، پنج و شش انتخابات گذشته به ترتیب ۸/۶؛ ۱۶/۱؛ ۷/۵؛ ۱۴/۰؛ ۵/۴ و ۴۸/۴ درصد پاسخگویان شرکت داشته‌اند. میانگین مشارکت انتخاباتی در این مدت ۴/۴ مورد (از ۶) است که این مقدار بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر با ۶۷/۳ می‌شود.

– اعتماد سیاسی: میانگین وزنی اعتماد پاسخگویان به عملکرد دولت در تأمین رفاه، امنیت، آزادی و مشارکت مردم بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۴۷/۰ و میانۀ آن ۴۹/۵ است. درصد فراوانی این اعتماد بر روی یک مقیاس سه درجه‌ای شامل اعتماد پایین، متوسط و بالا به ترتیب برابر با ۲۷/۹، ۵۰/۸ و ۲۱/۳ درصد است.

– علاقه سیاسی: میانگین وزنی علاقه پاسخگویان به سیاست (بحث و گفت‌وگو و

پیگیری اخبار سیاسی کشور) بر روی یک مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۵۱/۰ و میانه آن ۵۰/۰ است. درصد فراوانی این علاقه بر روی یک مقیاس سه درجه‌ای شامل علاقه کم، متوسط و زیاد به ترتیب برابر با ۱۳/۸، ۷۱/۸ و ۱۴/۴ درصد بوده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی: میانگین وزنی تحصیل، پرستیژ شغل و حقوق ماهیانه است که مقدار آن بر روی مقیاس ۰ تا ۱۰۰ برابر ۳۹/۸ و میانه آن ۴۲/۰ است. درصد فراوانی پایگاه بر روی یک مقیاس سه درجه‌ای شامل پایگاه اجتماعی پایین، متوسط و بالا به ترتیب برابر با ۴۱/۹، ۵۰/۵ و ۷/۵ درصد است.

تحلیل چندگانه اثرمندی سیاسی معلمان

برای واریسی مدل نظری اثرمندی سیاسی (شکل ۲) از روش تحلیل «رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای» استفاده شده و نتایج عمده آن در جداول ۳ تا ۵ مندرج گردیده است. قبل از تشریح نتایج، یادآوری دو نکته ضروری به نظر می‌رسد: نخست این‌که در تحلیل حاضر متغیر اثرمندی سیاسی تنها با دو مقوله «بی‌تفاوتی سیاسی» و «دلگرمی سیاسی» به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار گرفته و دو مقوله دیگر آن یعنی نومییدی و اعتراض سیاسی به دلیل ناچیز بودن فراوانی پاسخ، از شمول تحلیل خارج گردیده‌اند^۱. دیگر این‌که متغیرهای مستقل یا پیش‌بینی‌کننده اعتماد سیاسی، علاقه سیاسی، مشارکت انتخاباتی؛ پایگاه اجتماعی و ترجیح ایدئولوژیک علاوه بر این‌که به صورت منفرد در تحلیل لجستیک اثرمندی سیاسی وارد شده‌اند برخی از اشکال ترکیبی (تعاملی) آن‌ها شامل متغیر ترکیبی اعتماد، علاقه و مشارکت؛ تعامل این سه با پایگاه اجتماعی، تعامل سه متغیر مذکور با ترجیح ایدئولوژیک و همچنین تعامل هر چه پنج متغیر مستقل در مدل منتخب تحلیل لجستیک منظور شده‌اند.

۱. اگرچه ناچیز بودن یا فقدان داده برای دو مقوله نومییدی و اعتراض سیاسی، تحلیل تجربی آن‌ها را در این نوشتار ناممکن ساخته، لکن نظریه همبستگی نسبتاً بالا میان احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی (۷۶۴/۰)، منطقاً انتظار می‌رود بیشترین فراوانی حالات اثرمندی همواره مربوط به دو حالت مورد تأکید در این نوشتار یعنی دلگرمی و بی‌تفاوتی سیاسی باشد که حاکی از همسویی اثرمندی درونی و بیرونی است. بر همین اساس می‌توان گفت ارزش تجربی و نظری تحلیل دلگرمی و بی‌تفاوتی سیاسی فراتر از تحلیل نومییدی و اعتراض سیاسی است.

نتایج واریس تجربی مدل نظری اثرمندی سیاسی (شکل ۲) نشان می‌دهد که: اولاً: از بین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده اثرمندی سیاسی، تنها دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی در مدل نهایی حضور معنادار پیدا کرده و دیگر متغیرها قابل اعتنا نبوده و احتمالاً تأثیر آنها بر اثرمندی سیاسی از طریق دو متغیر مذکور منتقل می‌شود (جدول ۳).

نتایج آزمون درست‌نمایی در جدول ۴ نیز به روشنی نشان می‌دهد مطابق معیارهای مختلف برآورد درست‌نمایی، مدل مذکور از درست‌نمایی لازم برخوردار بوده و برای پیش‌بینی حالت اثرمندی سیاسی (دلگرمی یا بی‌تفاوتی سیاسی) کاملاً مناسب و معنادار ($\text{sig} = .000$) است.^۱ به‌علاوه نتایج جداگانه آزمون برازش مدل^۲ نیز نشان می‌دهد داده‌های حاضر برای تحلیل لجستیک چندجمله‌ای اثرمندی سیاسی مناسب هستند.^۳

جدول ۳. نتایج آزمون اثر متغیرهای باقی‌مانده در مدل اثرمندی سیاسی^۴

جدول ۴. اطلاعات درست‌نمایی مدل اثرمندی سیاسی

۱. فرض صفر در تابع درست‌نمایی حاضر، صفر بودن ضرایب مدل است. لذا معنادار بودت تابع به معنای رد فرض مذکور و درست‌نمایی مدل است.

2. Goodness-of-Fit

۳. سطح معناداری آزمون نیکویی برازش برای دو آمارهٔ مربوط عبارت است از: $\text{Pearson} = 0.933$ و $\text{Deviance} = 0.999$ که هر دو حاکی از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل لجستیک است.

۴. سایر متغیرهای مستقل که حضور معناداری در مدل نهایی نداشته‌اند، از جدول حاضر حذف شده‌اند.

ثانیاً: بر اساس نحوه محاسبه ضریب تعیین^۱ مدل اثرمندی سیاسی با استفاده از سه روش متفاوت مطابق شرح جدول ۵، دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، مشترکاً ۵۸/۳ درصد یا ۶۴/۳ درصد یا ۷۸/۴ درصد از تغییر حالت اثرمندی سیاسی (تغییر از بی تفاوتی سیاسی به دلگرمی سیاسی یا برعکس) را تبیین می‌کنند؛ به عبارت دیگر با تقویت اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی با احتمال بین ۵۸ تا ۷۸ درصد، احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی، همزمان مثبت گردیده و افراد از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی تغییر حالت یابند.

جدول ۵. ضریب تعیین مدل اثرمندی سیاسی

ثالثاً: با مبنا قرار دادن بی تفاوتی سیاسی به عنوان گزینه مرجع^۲ تحلیل اثرمندی سیاسی، مطابق جداول ۵ و ۶، اثر انفرادی هر دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی بر تغییر حالت اثرمندی سیاسی (از بی تفاوتی به دلگرمی سیاسی)، مثبت (افزاینده) و کاملاً معنادار است؛ لکن تأثیر فزاینده اعتماد سیاسی بر تغییر حالت اثرمندی سیاسی (Wald - ۱۳/۱۹) بیشتر از تأثیر مشارکت انتخاباتی (Wald - ۱۱/۴۷) است. تبعاً وقتی دلگرمی سیاسی مقوله مرجع تحلیل اثرمندی سیاسی قرار گیرد، تأثیرگذاری دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی بر تغییر حالت از دلگرمی به بی تفاوتی سیاسی، عکس وضعیت مذکور (تأثیر کاهنده) خواهد بود. در این صورت، علامت پارامتر بتا (B) در جدول حاضر، منفی خواهد بود (جدول ۶).

جدول ۶. پارامترهای مدل اثرمندی سیاسی با مرجعیت مقوله بی تفاوتی سیاسی

1. Pseudo R-Square

2. The reference category

رایعاً: مدل نهایی اثرمندی سیاسی با دو متغیر پیش‌بین اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، افراد بی تفاوت سیاسی را در ۸۴/۲ درصد موارد و افراد دلگرم سیاسی را در ۹۲/۳ درصد موارد به درستی شناسایی می‌کند. به بیان دیگر، ضریب صحت پیش‌بینی مدل برای تشخیص حالت بی تفاوتی سیاسی ۸۴/۲ درصد و برای تشخیص حالت دلگرمی سیاسی، ۹۲/۳ درصد است (جدول ۷)

جدول ۷. ضرایب صحت پیش‌بینی مدل اثرمندی سیاسی

بحث و نتیجه‌گیری

احساس اثرمندی سیاسی شهروندان یک شاخص مهم برای پی بردن به نوسانات درونی نظام سیاسی است؛ این احساس در بعد درونی دلالت بر توانایی افراد در تأثیرگذاری بر فرایندهای سیاسی جامعه دارد و در بعد بیرونی دلالت بر درک پاسخ‌گویی حکومت دارد. از ترکیب این دو بعد، چهار حالت عمده شامل دلگرمی سیاسی، بی تفاوتی سیاسی، نومیدی سیاسی و اعتراض سیاسی حاصل می‌شود. تغییر این حالات در افراد برحسب تغییر اعتماد سیاسی، مشارکت انتخاباتی، علاقه سیاسی، ترجیح ایدئولوژیک و پایگاه اجتماعی-اقتصادی آن‌ها، قابل توضیح است. با آگاهی از حالات چهارگانه اثرمندی سیاسی و عوامل تغییر آن، فهم لازم از ماهیت فعل و انفعالات درونی نظام و این‌که تغییرات مذکور در جهت استحکام یا زوال سیاسی است، فراهم می‌آید. نتایج تحلیل ثانویه حاضر به روشنی نشان داد که:

۱. اگرچه احساس اثرمندی سیاسی معلمان در هر دو بعد درونی و بیرونی نسبتاً پایین بوده و عمدتاً در اطراف میانگین در نوسان است لکن شدت این احساس در بعد درونی کمتر از حد متوسط (۴۸/۹) و احساس اثرمندی بیرونی کمی بیش از حد متوسط (۵۶/۶) است.
۲. حالت دلگرمی سیاسی که بر مثبت بودن احساس اثرمندی درونی و بیرونی دلالت دارد با ۵۲/۸ درصد فراوانی، رایج‌ترین حالت اثرمندی سیاسی معلمان را تشکیل می‌دهد و پس از آن

حالت بی‌تفاوتی سیاسی با فراوانی ۳۹/۲ درصد قرار دارد که دلالت بر منفی بودن هر دو نوع احساس اثرمندی سیاسی درونی و بیرونی معلمان دارد. حالت اعتراض سیاسی ۸/۰ درصد از معلمان نیشابور را در برمی‌گیرد و حالت نومیدی سیاسی نیز فاقد فراوانی (۰٪) است.

۳. از بین پنج متغیر ترجیح ایدئولوژیک، پایگاه اجتماعی اقتصادی، علاقه سیاسی، مشارکت انتخاباتی و اعتماد سیاسی که پیش‌بینی می‌شد اثر تعیین‌کننده‌ای بر نوسان اثرمندی سیاسی (تغییر حالت از بی‌تفاوتی سیاسی به دلگرمی سیاسی و بالعکس) داشته باشند، تنها دو متغیر اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی این تعیین‌کنندگی را دارا هستند. تأثیر سه متغیر دیگر بر اثرمندی سیاسی از طریق دو متغیر مذکور منتقل می‌شود.

۴. با تقویت اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان بین ۵۸ تا ۷۸ درصد از احساس اثرمندی سیاسی آن‌ها در ابعاد درونی و بیرونی، مثبت گردیده و در حالت دلگرم سیاسی قرار می‌گیرند. در این میان تأثیر اعتماد سیاسی بر دلگرمی سیاسی بیش از مشارکت انتخاباتی خواهد بود. اثر دو متغیر مذکور بر بی‌تفاوتی سیاسی کاهنده و بر دلگرمی سیاسی افزایش‌دهنده است.

۵. با آگاهی همزمان از میزان قوت و ضعف اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی معلمان بر اساس مدل پیشنهادی نوشتار حاضر، در ۹۲/۳ درصد از موارد، حالت دلگرمی و در ۸۴/۲ درصد، حالت بی‌تفاوتی سیاسی آن‌ها را به‌درستی می‌توان پیش‌بینی نمود. یافته‌های مذکور متضمن چند نکته قابل تأمل است:

اولین نکته ضعف احساس اثرمندی سیاسی درونی معلمان و پایین بودن آن نسبت به احساس اثرمندی سیاسی بیرونی است. ضعف اثرمندی درونی به این نکته دلالت دارد که معلمان، ارزیابی مثبتی از فرایندهای سیاسی جامعه و توانایی تأثیرگذاری بر آن‌ها را ندارند. ضعف این احساس در جامعه ما بیانگر این واقعیت نیز می‌تواند باشد که چون کنش‌های سیاسی، صورت جمعی و سازمان یافته (حزبی یا گروهی) ندارند، بنابراین برآورد روشنی نیز از نتایج آن، قابل تصور نیست. در چنین وضعیتی، افراد نمی‌توانند به‌درستی سهم خود را در ایجاد نتیجه جمعی برآورد نمایند و یا احتمالاً سهم خود را ناچیز بپندارند. اما در مقابل احساس اثرمندی سیاسی بیرونی که بر ارزیابی پاسخ‌گویی دولت دلالت دارد، به دلیل این‌که تصور نسبتاً روشنی از توانایی و عملکرد دولت در ذهن مردم وجود دارد، این ارزیابی، کمی بهبود یافته‌تر است.

دومین نکته این است که فراوانی دلگرمی سیاسی در بین معلمان بیش از بی‌تفاوتی سیاسی و دیگر انواع اثرمندی سیاسی (نومیدی و اعتراض سیاسی) است. هر یک از چهار حالت مذکور، به نتایج متفاوتی از حیث عمل سیاسی منجر می‌گردد، آن‌چنان‌که می‌توان انتظار داشت حالت

دلگرمی سیاسی، به مشارکت بیشتر و بالعکس بی تفاوتی سیاسی به دلزدگی از سیاست منجر گردد. از سوی دیگر حالت اعتراضی، به ترک فعالانه سیاست و نومیادی سیاسی به ترک منفعلانه یا کناره گیری از سیاست منتهی گردد. لکن چون حالت دلگرمی سیاسی بیش از دیگر حالات اثرمندی سیاسی در بین معلمان دیده می شود، انتظار مشارکت فعالانه در فرایندهای سیاسی از جانب معلمان بیش از ترک فعالانه یا منفعلانه خواهد بود. البته مفروض چنین انتظاری این است که اعتماد سیاسی معلمان رو به کاهش نبوده و فرصت مشارکت برای آنها فراهم باشد.

سومین نکته مربوط به تعیین کنندگی اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی در ایجاد دلگرمی یا بی تفاوتی سیاسی است. بدیهی است با افزایش اعتماد سیاسی و مشارکت انتخاباتی، می توان انتظار داشت که حالت بی تفاوتی سیاسی به دلگرمی سیاسی، تغییر جهت دهد. لازمه این دگرگونی از یک سو جلب اعتماد عمومی به سیاست و فرایندهای پاسخگویی دولت است و از سوی دیگر فراهم آوردن فرصت انتخاب شدن و انتخاب کردن برای معلمان است. به علاوه وقتی انتظار افراد از دولت برآورده شود احتمالاً بیشتر در انتخابات شرکت خواهند کرد و کسی که در انتخابات شرکت کرده، فضا و محیط انتخاباتی را مثبت و اثربخش برای رفع نیازها و رسیدن به مطالبات ارزیابی می کند و بدین ترتیب، احساس اثرمندی سیاسی او در ابعاد درونی و بیرونی نیز بهبود پیدا می کند. نتایج مذکور مؤید آراء صاحب نظران و محققین سیاسی متعدد همچون پاتمن (۱۹۷۰)، رنسون (۱۹۷۴)، باربر (۱۹۸۴)، فینکل (۱۹۸۵)، اندرسون و گیلوری (۱۹۹۷)، کوهن و وستیمر (۲۰۰۶) است. چنانچه دلگرمی یا بی تفاوتی سیاسی را به ترتیب حاصل تعادل یا بر هم خوردن تعادل بین احساس اثرمندی درونی و بیرونی در حوزه سیاست بدانیم، حسب نتایج مندرج در نوشتار حاضر، انتظار منطقی برای ایجاد و حفظ دلگرمی و سرزندگی سیاسی معلمان، در وهله اول این است که به انتظارات آنها از دولت بیش از گذشته پاسخ داده شده و اعتماد آنها به دولت بیشتر جلب شود و از سوی دیگر فرصت مشارکت سیاسی برای آنها بیش از گذشته فراهم آید.

منابع

- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت.
- لوسین پای و همکاران (۱۳۸۰)، *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دیوید ای. اپتر و چرلز اف. اندی پین (۱۳۸۰)، *اعتراض سیاسی و تغییر اجتماعی*، ترجمه محمدرضا نصیرآبادی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۹)، *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران، نشر قومس.
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد*، تهران انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۶.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۰)، *توسعه و تضاد*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم.
- پوپر، کارل (بی تا): *درس این قرن همراه با دوگفتار درباره آزادی و حکومت دموکراتیک*، تهران انتشارات طرح نو.
- گیدنز، انتونی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی با تجدید نظر کامل و روزآمدشده*، ترجمه حسن چاوشیان، ویراست چهارم، تهران، انتشارات نی.
- کیویستو، پیتر (۱۳۸۳)، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات نی.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۶)، *مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت سیاسی*، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، ۵۸-۷۷.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۸۵)، *مشارکت انتخاباتی اقوام در ایران*، بررسی موردی: انتخابات ریاست جمهوری، *فصلنامه مطالعات ملی*: ۲۸، سال هفتم، شماره ۴.
- یوسفی علی (۱۳۸۴)، *تحلیل فرانظری رأی، ارائه یک مدل مفهومی*، *مجله علوم اجتماعی*، شماره ۳، دانشگاه فردوسی مشهد.

- Abrahamson, P. R., Aldrich, J. H. (1982), *The decline of electoral participation in America*. American Political Science Review. 76:502-521.
- Almond G. and Sidney V. (1989), *The civic culture, political attitudes and democracy in five nations*. London., SAGE publication, Inc..
- Anderson, C J (2000), *Economic voting and political context: A comparative perspective*. Electoral Studies. 19 (2/3): 151-170.
- Anderson C.J. , Guillory C. A. (1997), *Political Institutions and Satisfaction with Democracy: A Cross-National Analysis of Consensus and Majoritarian Systems*. The American political Science Review. 66-81.
- Bandura, A. (1977), *Self-Efficacy: Toward a Unifying Theory of Behavioral Change*. psychological Review. 84:191-215.
- Bandura A. (1982), *Self efficacy mechanism in human agency*. American Psychologist, Vol.37, No. 2., 122-147.
- Bengtsson A. (2005), *Prerequisites for accountability and political efficacy*. From: <http://www.cses/plancom/2005Taipei/Bengtsson.pdf> (6.5.2012).
- Barber, B. (1984). *Strong Democracy: Participatory Politics for a New Age*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Catt H. (2005), *Children and young people as citizens: Participation, provision*

- and protection*. 6th child and family policy conference University of Otago.
From: <http://www.elections.org.nz/study/education-centre/now-or-never-lit-review.html>(9.11.2011)
- Converse, P E (1972), *Change in the American Electorate*. Pp 263-337 in A Campbell & P E Converse (eds.) *The Human Meaning of Social Change*. New York: Russell Sage Foundation.
- Easton, D (1975), *A System Analysis of Political Life*. New York: John Wiley.
- Elden, J. M. (1981), *Political Efficacy at Work: The Connection between More Autonomous Forms of Workplace Organization and a More Participatory Politics*. *American Political Science Review*, 75 (1), 43-58.
- Finkel, S. E. (1985), *Reciprocal effects of participation and political efficacy: A panel analysis*. *American Journal of Political Science*, 29 (4) 891-913.
- Harder J. K.(2010), *Why do people vote? The case for Political Efficacy*. <http://www.thepresidency.org/storage/documents/Fellows2008/Harder.pdf>(3.28.2012)
- Iyengar S. (1980), *Subjective Political Efficacy as a Measure of Diffuse Support*. *Public Opinion Quarterly*. 44.249-256.
- Kahne, J., Westheimer J. (2006), *The Limits of Efficacy: Educating Citizens for a Democratic Society*. PS: Political Science and Politics. April. 39 (2), 289-296. <http://www.democraticdialogue.com/DDpdfs/EfficacyPS-Apr06.pdf>(4.3.2012)
- Kenski, K., Stroud, N. (2006), *Connection between internet use and political efficacy, knowledge, and participation*. *Journal of Broadcasting & Electronic media*.
- Karp J. A., Banducci S. A. (2006). *Electoral systems and political efficacy*. Copyright university of Texas.
- Lee Kwan M. (2006), *Effects of Internet Use on College Students' Political Efficacy*. *CyberPsychology & Behavior*. Vol.9, No. 4: 415-422.
- Lee F. (2006), *Collective Efficacy, Support for Democratization, and Political Participation in Hong Kong*, *International Journal of Public Opinion Research Advance Access* originally published online on September 16, 2005 *International Journal of Public Opinion Research*, 18 (3): 297-317. From: doi: 10.1093/ijpor/edh105.
- Madsen, D. (1978), *A structural approach to the explanation of political efficacy levels under democratic regimes*. *American Journal of Political Science*, 22, 867-883.
- Matheson JR, Powell JD. (1978), *Participation and efficacy, essays from comparative politics*. Cambridge, Massachusetts, Schenkman publishing company, p. 150-176.
- Michelson, M. (2000), *Political efficacy and electoral participation of Chicago Latinos*. *Social Science Quarterly*, 81 (1), 136-150.
- Milbrath, L., & Goel, M. L. (1977), *Political participation*. Chicago Rand McNally.
- McCluskey M. R., Deshpande S., Shah D. V., McLeod Doug M., (2004), *The Efficacy*

- Gap and Political Participation: When Political Influence Fails to Meet Expectations*. International Journal of Public Opinion Research, 57 (4): 643-652.
- Niemi, R. G., Craig, S. C., & Mattei, F. (1991), *Measuring internal political efficacy in the 1988 National Election Study*. American Political Science Review, 85 (4), 1407-1413.
- Parker C. S. (2009), *When Politics Becomes Protest: Black Veterans and Political Activism in the Postwar South*. The Journal of Politics, Vol. 71, No. 1, Pp. 113-131.
- Powell, G. Bingham, Jr. 2000. *Elections as Instruments of Democracy: Majoritarian Yale and Proportional Visions*. New Haven: University Press.
- Powell, G., Whitten G. (1993), *A Cross-national Analysis of Economic Voting: Taking Account of the Political Context*. American Journal of Political Science, 37, 391-414.
- Pinkleton, B. E., Austin, E. W., & Fortman, K. K. J. (1998), *Relationships of political disaffection, voter sophistication, and information seeking to external efficacy and political behavior*. Journal of Broadcasting & Electronic Media, 42, 34-49.
- Schneider D. (2006), *Extending Political Efficacy: Voters Perceptions of Efficacy of Elected officials*.
[ftp.nes.isr.umich.edu/ftp/anes/OC/2006pilot/danielsc.pdf\(4.3.2012\)](http://ftp.nes.isr.umich.edu/ftp/anes/OC/2006pilot/danielsc.pdf(4.3.2012)).
- Sullivan, J. L. and Riedel, E. (2001), *Political Efficacy*. in N.J. Smelser and P.B. Baltes, (eds.), International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences (Vol.7), Oxford: Elsevier Sciences Ltd.
- Tacq J. (1997), *Multivariate analysis techniques in social sciences research from problem to analysis*. London. Sage publication.
- Wu, Chung Li. (2003), *Psycho-Political Correlates of Political Efficacy: The Case of the New Orleans Mayoral Election*. Journal of Black Studies 33 (6): 729-760.
- Wu, Chung Li. (2003). *Psycho-political correlates of political efficacy, the Case of the 1994 New Orleans Mayoral Election*. Journal of black studies, Vol. 33 No. 6, July, p. 729-760.